

طراحی و آزمایش الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن

براساس نظریه سازایی گری اجتماعی

Designing and testing a learning motivation improvement model based on social constructivism theory

تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۱

Raheb Gh. *PhD* [✉], Hameedy M. *PhD*,
Akhavan M. T. *PhD*, Rezabakhsh H. *PhD*

غنچه راهب [✉]، منصور علی حمیدی^۱،
مهناز اخوان تفتی^۱، حسین رضابخش^۱

Abstract

Introduction: The research goal was to design and test a learning motivation model based on social constructivism perspective. In social constructivist perspective, motivation affected by three internal factors Self-efficacy, self-regulation and ability for relationship with others.

Method: Learning model experimented on two groups of students in one of the Tehran Universities. Samples collected randomly. Method of learning was cooperative for the experimental group and traditional for the comparing group. Two groups evaluated by pretest-posttest model. Used testing instrument was learning motivation improvement questionnaire for Iranian students.

Results: In test group, learning motivation, self-efficacy and self-regulation improved after administrating of the learning model. Learning motivation improvement model caused to an improvement of cognitional, behavioral and emotional dimensions of the learning motivation and self-efficacy and self-regulation lasted for about 4 months after administrating of the learning model.

Conclusion: Learning motivation affected by self-efficacy and self-regulation of students. Cooperative learning is an effective method to improve learning motivation.

Keywords: Learning Motivation, Social Constructivism, Self-Regulation, Self-Efficacy, Cooperative Learning

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش ساخت الگوی آموزشی برای بهبود انگیزه آموختن براساس نظریه سازایی گری اجتماعی بود. انگیزه آموختن براساس نظریه سازایی گری اجتماعی، تحت تاثیر سه عامل درونی خودتوانپنداری، خودگردانی و خودرسانی است.

روش: الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن در چهارچوب نیمه‌آزمایشی متشکل از دو گروه دانشجویان کارشناسی بررسی شد. گروه‌ها که با دو روش متفاوت، آموزش به‌روش هم‌آموزی و آموزش به روش سنتی، نیم‌سال آموزشی را گذرانده بودند، مورد ارزیابی به روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق، آزمون سنجش انگیزه آموختن در دانشجویان ایرانی است که سازه‌های انگیزه آموختن را می‌سنجید.

یافته‌ها: انگیزه آموختن و کارکرد تحصیلی آموزندگان در گروه مورد آزمایش و همچنین خودتوانپنداری و خودگردانی آموزندگان پس از اجرای الگوی آموزشی بهبود یافت. الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن منجر به بهبود ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی انگیزه آموختن شد و ماندگاری خودتوانپنداری و خودگردانی آموزندگان ۴ ماه پس از اجرای الگوی آموزشی همچنان پایدار باقی ماند.

نتیجه‌گیری: بهبود انگیزه آموختن تحت تاثیر خودگردانی و خودتوانپنداری آموزندگان است. روش هم‌آموزی روشی موثر در بهبود انگیزه آموختن است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه آموختن، سازایی گری اجتماعی، خودتوانپنداری، خودگردانی، هم‌آموزی

[✉] **Corresponding Author:** Social Work Faculty,
University of Welfare and Rehabilitation Science,
Tehran, Iran
Email: ghraheb@uswr.ac.ir

[✉] دانشکده امور اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران
^۱ دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

بررسی وضعیت دانشجویان در دانشگاه‌های معتبر کشور در سال‌های اخیر نشان‌دهنده آن است که برخلاف توان بالای تحصیلی دانشجویان از یک سو و سطح کیفی بالای این دانشگاه‌ها از سوی دیگر، عده‌ای از دانشجویان، به‌ویژه در مقطع کارشناسی در بدو ورود و پس از آن با افت تحصیلی مواجه می‌شوند [۱]. توسعه کمی در دانشگاه‌ها بدون توجه کافی به کیفیت و استانداردهای آموزشی، افت تحصیلی در دانشگاه‌ها را به‌دنبال خواهد داشت و بخشی از منابع و استعدادها بالقوه انسانی و اقتصادی جامعه در دانشگاه‌ها با ترک تحصیل، اخراج، انصراف، مشروطی و ... به هدر می‌رود و پیامدهای ناگواری در زندگی فردی و اجتماعی بجای می‌گذارد [۲]. بررسی برنامه چهارم توسعه کشور، نشان می‌دهد که اهداف و برنامه‌های آموزش عالی براساس بهبود کیفیت آموزش و افزایش سهم کشور در تولید علم جهانی تدوین شده و اهداف اساسی آموزش عالی که در قانون مصوب جمهوری اسلامی ایران ذکر گردیده است، شکوفا ساختن استعدادهای آموزندگان و تقویت توانمندی آنها برای پژوهش، ابتکار و خلاقیت است [۳]. بنابراین آموزش و پرورش دانشجویانی با انگیزه و دانش پژوه که در راستای تولید و ساخت علم گام بردارند از اهداف عالی نظام آموزشی کشور است. اما کاستی‌هایی در دستیابی به این هدف وجود دارد که یکی از آنها ناکارآمدی الگوهای آموزش سنتی است که افت تحصیلی و کاهش انگیزه آموختن در آموزندگان را در پی دارد. امروزه نظریه نوین سازه‌ی‌گری که دیدگاه آن مبتنی بر سامانه‌های آموزشی پیشرو است می‌تواند در ارایه الگوهای بهینه آموزشی موثر باشد.

در نظریه سازه‌ی‌گری، آموختن فعالیتی است که براساس آن آموزندگان، خود دانش خویش را ساخته و برای درک، فهم و معنا بخشیدن به اطلاعات فعالیت می‌کنند [۴]. در این پژوهش برای بهبود انگیزه آموختن در دانشجویان از منظر این نظریه به انگیزه آموختن پرداخته شده است. انگیزه، عامل موثری در آموختن است و انکس‌های آموزندگان را در راستای برنامه‌ریزی، سازماندهی، بازبینی، تصمیم‌گیری، حل مسئله و ارزیابی هدایت می‌کند. پژوهش در نظریه سازه‌ی‌گری فردی، انگیزه آموختن را نیرویی می‌داند که توسط هدف هدایت شده و منجر به تحریک فرد می‌گردد و این رفتار تا دستیابی به هدف ادامه می‌یابد [۴]. ویگوتسکی که از نظریه‌پردازان سازه‌ی‌گری اجتماعی است تعاملات اجتماعی، ابزارهای فرهنگی و فعالیت فرد در گروه را عامل موثری در آموختن و افزایش انگیزه آموختن می‌داند [۵]. برای انجام فعالیت‌های گروهی، خودرسانی (توانایی‌های ارتباطی) آموزندگان از اهمیت بالایی برخوردار است.

خودرسانی آموزندگان عامل مهمی در انگیزه آموختن است [۴] و آموزندگان خودرسان با احساس امنیت در روابط فردی، افرادی

خونگرم بوده، به نیازهای دیگران پاسخ می‌دهند و به حفظ ارتباط با دیگران تمایل دارند. این آموزندگان غالباً در خلال تجربیات خود، آموخته‌اند که آموزشیار آنها در دسترس بوده و با آموزشیار احساس نزدیکی می‌کنند، آموزشیار را فردی قابل اعتماد و پاسخگو می‌دانند [۴]. ادوئل برای بهبود خودرسانی آموزندگان به ۴ عامل اشاره می‌کند که شامل درک درست از وضعیت آموزنده، صمیمیت در روابط فردی، حمایت از آموزنده و هدایت توأم با همدلی هستند.

برونر یکی از نظریه پردازان سازه‌ی‌گری اجتماعی است که خودگردانی و خودتوان‌پنداری آموزندگان را دو عامل مهم در افزایش انگیزه آموختن می‌داند [۶]. برونر خودتوان‌پنداری را نه تنها عامل موثری در انگیزه آموختن می‌داند بلکه آنرا عاملی تاثیرگذار بر خودگردانی آموزندگان می‌شناسد [۶]. پندار فرد در مورد توانمندی‌های خود برای دستیابی به یک هدف شناسایی شده را خودتوان‌پنداری آن فرد در آن زمینه می‌گویند. خودتوان‌پنداری، عاملی برای سازماندهی و اجرایی نمودن فعالیت‌ها برای رسیدن به هدف است [۷]. خودتوان‌پنداری پنداری است که آموزنده از توانایی‌های خود برای دستیابی به هدف دارد [۴]. هنگامی که آموزنده بتواند بر موقعیت غلبه کند و مهارت‌های لازم برای رسیدن به هدف را در خود بیابد، به این باور می‌رسد که برای انجام کارهای تحصیلی توانمند است [۴].

زیممرمن [۸] خودگردانی آموزندگان را عاملی برای ساختن دانش و انگیزه آموختن را متأثر از خودگردانی آموزندگان می‌داند. فعالیت‌های شناختی، رفتاری و عاطفی آموزندگان برای دستیابی به هدف، توسط خودگردانی هدایت می‌شود [۷]. خودگردانی به معنای انتخاب هدف، برنامه‌ریزی، تلاش برای دستیابی به هدف، به‌کارگیری راه-کارهای آموختن، بازبینی و ارزیابی است. در خودگردانی، مقصود هدایت آموزندگان به بازنگری، مدیریت و تنظیم رفتارها است [۴]. الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن، بر این فرض استوار است که بهبود در خودتوان‌پنداری، خودگردانی و خودرسانی آموزندگان می‌تواند سبب بهبود انگیزه آموختن گردد. برای بهبود عوامل ذکر شده از روش هم‌آموزی استفاده شده و برای به‌کارگیری روش هم‌آموزی از کار گروهی، داربست‌سازی و ارزشیابی پیوسته استفاده می‌گردد. در روش هم‌آموزی، آموزندگان با کار در گروه‌های کوچک و یاری رساندن به یکدیگر در راستای تحقق اهداف آموختن گام بر می‌دارند. در روش هم‌آموزی، تمرکز از آموزش به آموختن و از ارتباط بین آموزشیار و آموزندگان به ارتباط میان خود آموزندگان (به‌عنوان گروه فعال) تغییر یافته است. ویگوتسکی استفاده از داربست‌سازی را بر بهبود آموختن مؤثر می‌داند. برونر، داربست‌سازی را عامل مهمی در افزایش انگیزه آموزندگان می‌داند زیرا آموزندگان پس از مدتی کار با آموزشیار یا فرد خُبره، به تنهایی می‌توانند آن کار را انجام دهند [۹، ۱۰]. ارزیابی براساس الگوی سازه‌ی‌گری اجتماعی به‌صورت

خودرسانی را می‌سنجید؛ خودتوانا پنداری ۱۶ گویه، خودگردانی ۱۵ گویه و خودرسانی ۹ گویه داشت. گویه‌ها در برگیرنده ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری بودند. دانشجو برای نمره‌دهی از یک تا پنج درجه‌ای را انتخاب می‌کردند. برای بخش‌های سه‌گانه خودتوانا پنداری، خودگردانی و خودرسانی، پایایی‌های آزمون به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۹۲ و ۰/۸ بودند.

برای پردازش داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیفی از جداول فراوانی برای سازمان‌بندی و خلاصه‌کردن داده‌های به‌دست آمده از پیشینه دانشجویان استفاده گردید. در بخش استنباطی، برای ارزیابی گمانه‌های پژوهشی، از آزمون t گروه‌های مستقل بر روی میانگین تفاوت‌ها استفاده شد و برای بررسی ماندگاری روش آزمایشی در گروه آزمایش، روند تغییرات نمره‌های گروه آزمایش (در سه بار سنجش) از روش تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها

دانشجویان گروه‌های مورد آزمایش و گواه از هر دو جنس و رشته تحصیلی آنها در دوران دبیرستان، ریاضی - فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی و میانگین سنی گروه‌های آزمایش و گواه ۲۱ سال بود. برای ارزیابی و مقایسه انگیزه آموختن در دو گروه آزمایش و گواه، پیش از اجرای الگوی بهبود انگیزه آموختن، پرسش‌نامه سنجش انگیزه آموختن (پیش‌آزمون) در دو گروه تکمیل گردید که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میان نمره‌های انگیزه آموختن در پیش‌آزمون (بین دو گروه مورد آزمایش و گواه) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین نمرات، نشان‌دهنده هم‌پایی دو گروه در انگیزه آموختن است.

جدول ۱) مقایسه انگیزه آموختن در دو گروه مورد آزمایش و گواه پیش از به‌کارگیری الگوی بهبود انگیزه آموختن

گروه	تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آزمایش	۳۰	۱۷۲	۱۶/۱۷	۵۸	۰/۴۰۳
گواه	۳۰	۱۶۹	۱۹/۲۱		۰/۸۴

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمره انگیزه آموختن در دو گروه آزمایش و گواه را پس از اجرای الگوی بهبود انگیزه آموختن نشان داده و بیانگر آن است که در پس‌آزمون، بین نمره‌های انگیزه آموختن در دو گروه مورد آزمایش و گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. وجود تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمره‌ها، نشان‌دهنده بهبود انگیزه آموختن در گروه مورد آزمایش پس از اجرای الگوی بهبود انگیزه آموختن است.

پرسش و بحث گروهی در مورد مطالب آموخته شده صورت می‌گیرد [۱۱]. روش دیگر ارزیابی، ارزیابی کارهای گروهی آموزندگان است که به‌صورت نقشه‌های مفهومی، طراحی، چارت‌ها، روزنامه‌های دیواری و کارهای دستی صورت می‌گیرد [۱۲]. بهبود انگیزه آموختن زمانی محقق می‌گردد که ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آموزندگان را نسب به آموختن دگرگون سازد و بازخوردی دانش‌پژوهانه حاصل گردد. الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن، در راستای ایجاد این دگرگونی ایجاد شده است.

برای به‌کارگرفتن الگوی بهبود انگیزه آموختن، برنامه‌ای آموزشی تدوین و در ۷ مرحله تعریف شد. برنامه آموزشی توسط آموزندگان اجرا گردید و آموزشیار در کنار آموزندگان در فرآیند آموختن مشارکت داشت. گام‌های آموختن، بر اساس عملکرد آموزندگان و آموزشیار تعریف شده است.

هدف این پژوهش، بهبود کیفیت آموزش با به‌کارگیری الگوی آموزشی سازایی گری اجتماعی بوده، چرا که بهبود انگیزه آموختن بر طراحی، ساخت و آزمایش چنین الگویی استوار است. همچنین پاسخ به این پرسش که "آیا الگوی سازایی گری اجتماعی بهبود انگیزه آموختن، در افزایش انگیزه آموختن در دانشجویان ایرانی موثر است؟" هدف دیگر این پژوهش بوده است.

روش

الگوی یادشده در چهارچوب نیمه‌آزمایشی و متشکل از دو گروه بررسی شد. در این پژوهش چنین فرض شد که همه دانشجویان ایرانی تحت سامانه و روش آموزشی مشترکی قرار دارند و به لحاظ انگیزه آموختن دارای مشکلات همسانی هستند و به‌کارگیری الگوی آموزشی انگیزه آموختن شاید بتواند منجر به بهبود انگیزه آموختن دانشجویان ایرانی گردد. بدلیل اینکه تنها نشان‌دادن سودمندی - ناسودمندی برنامه مدنظر بود، نمونه‌گیری در سطح کشوری انجام نشد. دو گروه مورد مطالعه دانشجویانی بودند که یک درس مشخص را در دوره کارشناسی در یکی از دانشگاه‌های تهران می‌گذراندند. شایان ذکر است که گزینش دانشگاه، رشته و گروه‌ها با امکان دسترسی و کار پژوهشگر با این دو گروه همخوانی داشت ولی نامگذاری گروه‌ها به دسته‌های مورد آزمایش و گواه تصادفی بود. دو گروه که با دو روش متفاوت آموزش (آموزش به‌روش هم‌آموزی و آموزش با روش معمول) دوره‌ی آموزشی را گذراندند از نظر بهبود در انگیزه آموختن مقایسه شدند. از هر دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون گرفته شد. پس از پیش‌آزمون دوره آموزشی، الگوی آموزشی بررسی شد. گروه گواه دوره را با روال سنتی می‌گذراندند درحالی‌که گروه آزمایش از الگوی ساخته شده در ۷ نشست آموزشی و یک ماه کارورزی پیروی می‌کردند.

در این پژوهش ابزار ساخته شده (آزمون انگیزه آموختن در دانشجویان ایرانی) سازه‌های خودتوانا پنداری، خودگردانی و

جدول ۲) مقایسه انگیزه آموختن در دو گروه مورد آزمایش و گواه پس از به‌کارگیری الگوی بهبود انگیزه آموختن

گروه آزمودنی	تعداد میانگین	انحراف درجه معیار آزادی	t	سطح معنی‌داری
آزمایش	۳۰	۱۸۹/۰۳	۴۴/۴۲	۵/۴۲۸
گواه	۳۰	۱۶۷/۴۷		۰/۰۰۱

بر ترکیبی از عوامل گوناگون استوار بوده و نتایج این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که الگوی چند عاملی در افزایش انگیزه آموختن موثر است. الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن منجر به بهبود انگیزه آموختن و بهبود کارکرد تحصیلی آموزندگان شده و سبب بهبود عوامل سازنده انگیزه آموختن در نظریه سازایی‌گری اجتماعی گردیده است.

بررسی ماندگاری اثر بهبود انگیزه آموختن نشان‌دهنده ماندگاری بهبود انگیزه آموختن در آموزندگان پس از ۴ ماه است. بهبود در خودتواناپنداری و خودگردانی آموزندگان نیز پس از ۴ ماه همچنان باقی است اما میزان خودرسانی آموزندگان در گروه آزمایش پس از ۴ ماه کاهش یافته که بنابر نظر *دونل* و همکاران، خودرسانی آموزندگان برخاسته از تجربه‌های پیشین آموزندگان است و عوامل اجتماعی و خانوادگی پیرامون فرد نیز تاثیر چشم‌گیری در خودرسانی دارند [۴]. چه‌بسا که ۴ ماه دوری آموزندگان از محیط آموزشی زمینه‌ساز کاهش خودرسانی آنها شده باشد. براساس الگوی آموزشی این پژوهش، انگیزه آموختن تاثیرپذیر از زمینه آموزشی بوده و زمینه آموزشی در افزایش انگیزه آموختن موثر است.

الگوی بهبود انگیزه آموختن براساس ارایه کار در زمینه آموزشی ساخته شده است و اجرای کار آموزشی در این الگو به‌صورت کار گروهی است. انگیزه آموختن در این پژوهش براساس ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری ارزیابی شده و نتایج پژوهش نشان‌دهنده تاثیرگذاری الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن بر ابعاد شناختی و رفتاری و عاطفی انگیزه آموختن است.

الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن (براساس فعالیت آموزندگان) برای ساختن دانش طراحی شده است. این فعالیت نیازمند بازخورد سازنده آموزندگان به آموختن است و دستیابی به این هدف نیازمند تغییر در این بازخورد است که سبب بهبود واکنش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آموزندگان خواهد شد.

در این تحقیق، الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن در بهبود خودرسانی آموزندگان تاثیری نداشت که می‌تواند نشانگر ضعف در الگوی آزمایش باشد که به‌طور صحیح به شناخت و به‌کارگیری عوامل موثر در بهبود خودرسانی آموزندگان نپرداخته است. این کاستی، زمینه را برای مطالعه دقیق‌تر در مورد خودرسانی آموزندگان فراهم می‌آورد و ممکن است منجر به طراحی و آزمایش الگوی دیگری برای بهبود خودرسانی آموزندگان گردد.

نتیجه‌گیری

بر اساس این پژوهش الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن که برپایه‌ی نظریه سازایی‌گری اجتماعی ساخته شده است در بهبود سازه‌های انگیزه آموختن که همانا خودتوانا پنداری، خودگردانی و خودرسانی بوده در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری موثر بوده است و به کارگیری این الگو به بهبود انگیزه آموختن و کارکرد آموزشی

نمره‌های دو گروه در درس مورد آموزش در پایان نیمسال آموزشی در نشست‌های آموزشی، نشان‌دهنده کارکرد تحصیلی آموزندگان در آن درس است. جدول ۳ نشان‌دهنده تفاوت کارکرد تحصیلی دو گروه مورد آزمایش و گواه در آزمون پایانی درس آموزشی است. جدول ۳ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دو گروه مورد آزمایش و گواه را در آزمون پیشرفت تحصیلی در پایان دوره آموزشی نشان داده و این نتیجه حاکی از آن است که بین نمره‌های دو گروه مورد آزمایش و گواه در آزمون پایانی پیشرفت تحصیلی در درس مورد آموزش، تفاوت معنی‌داری وجود دارد بطوری که کارکرد تحصیلی گروه مورد آزمایش به‌طور معنی‌داری بهتر از گروه گواه بود.

جدول ۳) مقایسه دو گروه مورد آزمایش و گواه در درس مورد آموزش در پایان نیمسال تحصیلی

گروه‌ها	تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف درجه معیار آزادی	t	سطح معنی‌داری
آزمایش	۳۰	۱۸/۸۷	۰/۶۵۲	۵۸	۹/۸۴
گواه	۳۰	۱۶/۵۳	۱/۲۵		۰/۰۰۱

ماندگاری اثر بهبود انگیزه آموختن در دانشجویان، ۴ ماه پس از به‌کارگیری الگوی بهبود انگیزه آموختن سنجیده شد که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ آمده است. آزمون موخلی، کوواریانس‌ها ($X=۱۶/۶۳$, $df=۲$, $p<۰/۰۰۱$) و آزمون *F* گرین‌هاوس روند تغییرات را معنی‌دار نشان داد ($F=۶۷/۳۹$ و $df=۱/۳۸$, $p<۰/۰۰۱$) که با توجه به میانگین نمره‌ها (جدول ۴)، میانگین نمره کل گروه آزمایش در بار سوم بیشتر از بار دوم و بیشتر از بار اول بود.

جدول ۴) روند تغییر نمره‌های انگیزه آموختن در سه مرتبه سنجش

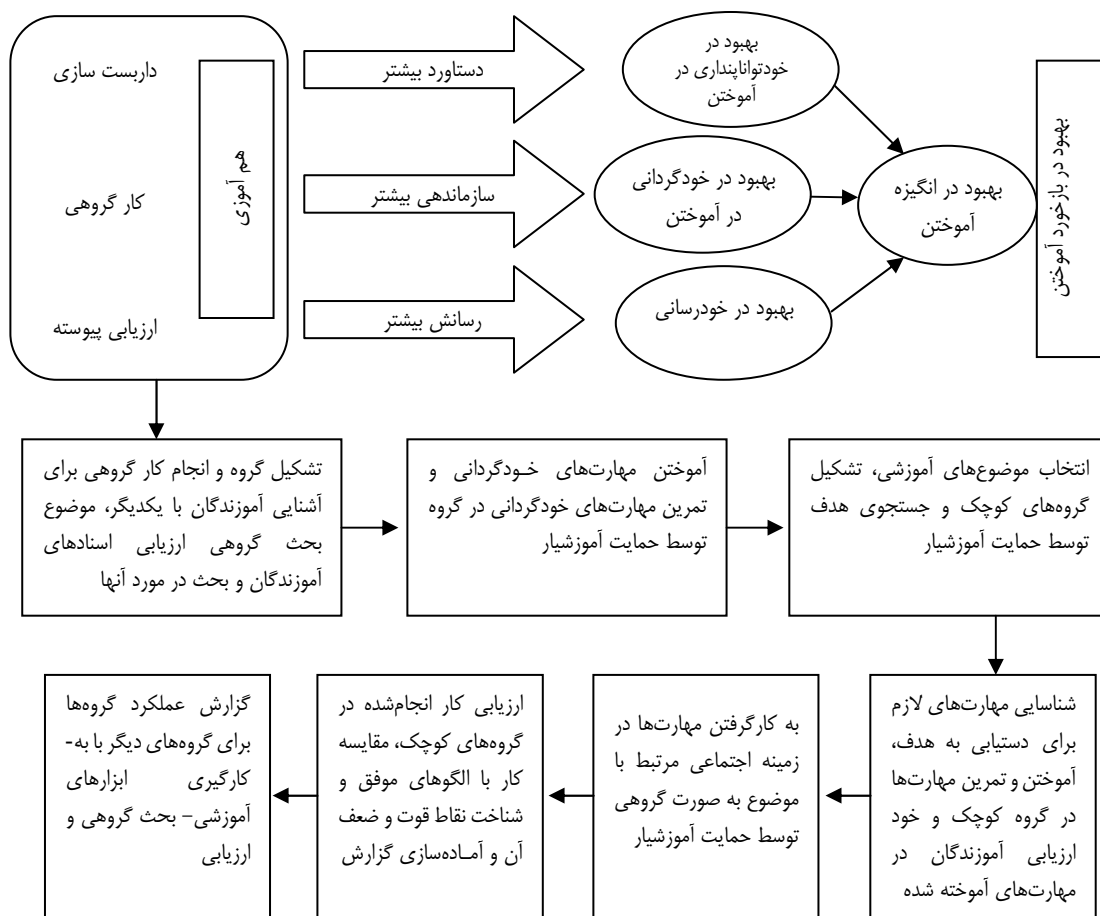
دفعات سنجش	میانگین	انحراف معیار	مجموع درجه مجزورات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
۱	۱۷۲/۴۳	۲/۹۵۳	۹۶۲۲/۴۸۹	۱/۳۸۱	۶۷/۳۹	۰/۰۰۱
۲	۱۸۹/۰۳۳	۱/۸۷۹				
۳	۱۹۷/۳۰۰	۱/۱۲۴				

بحث

الگوی آموزشی این پژوهش، نشان می‌دهد که بهبود انگیزه آموختن تاثیرپذیر از خودتواناپنداری، خودگردانی و خودرسانی آموزندگان است و نشان‌دهنده آن است که روش هم‌آموزی روشی موثر در بهبود سازه‌های پژوهش است. الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن،

مورد سازه خودرسانی و چگونگی بهبود آن بررسی دقیق‌تری انجام شود و الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن در دوره‌های مختلف آموزشی به کار گرفته شود که اثربخش و کاستی‌های این الگو در دوره‌های مختلف آموزشی نمایان شود تا برای بهبود الگوی مورد نظر اقدام گردد.

آموزندگان در گروه آزمایش انجامیده است. بررسی ماندگاری اثر ۴ ماه پس از اجرای الگوی آموزشی پژوهش نشان دهنده ماندگاری اثر این الگو بر بهبود انگیزه آموختن خودگردانی و خودتوانپنداری آموزندگان در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری بوده است اما خودرسانی آموزندگان پس از چهار ماه ماندگار نبوده است. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌گردد در



شکل ۱) الگوی آموزشی بهبود انگیزه آموختن بر اساس نظریه سازایی گری اجتماعی

منابع

7- Lefrancois GR. Psychology for teaching. 9th ed. Wiely; 1997. p. 205-6.
 8- Zimmerman BJ. Self-regulation academic learning and achievement: The emergence of a social cognitive perspective. Educational Psychology Review. 1990;2(2):173-201.
 9- Woodsd R. Problem based learning. British Medical Journal. 2003;15:58-79
 10- Bruner J. The culture of educational. Cambridge. MA: Harvard University Press; 1996.
 11- Brown JS, Collins A, Duguid P. Situated cognition and the culture of learning. Educational learning research. 1998;18(1):32-42.
 12- Pintrich PR. Motivation in education: Theory, research and application. 2th ed. 2004. p. 300.

۱- برهان احسان، عظیمی کاوه. به‌کارگیری قوانین همبستگی و آنالیز کلاستر در آسیب‌شناسی افت تحصیلی دانشجویان. دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ اولین کنفرانس داده‌کاوی ایران. ۱۳۸۶.
 ۲- اعتماد شاپور. ساختار علم و تکنولوژی در ایران و جهان. چاپ اول. تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۷۸.
 ۳- میرلوحی سیدحسین. زمینه‌ای برای بحث پیرامون محتوا. فصل‌نامه تعلیم و تربیت. ۱۳۷۱؛ ۳۰.
 4- O' Donell AM. Educational psychology. Wiley; 2007. p. 70-2, 142-6, 162-4, 316-8.
 5- Woolfolk A. Educational psychology. 9th ed. Allyn and Bacon; 2004. p. 49-52, 127-9, 388-90.
 6- Parsons RD. Educational psychology. Toronto: Wadsworth. A practitioner researcher model of teaching. 2001. p. 159-160.